

احکام  
بزبان ساده

شهبه و تنظیم

بجته علی جوانان بهائی ایران

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۱۷- بیع

## احکام

احکام را بدو دسته تقسیم میکنیم :

اول - اوامر یعنی کارهایی که شخص  
بهائی باید انجام دهد .

دوم - نواهی یعنی کارهایی که  
شخص بهائی نباید انجام دهد

اول - اوامر

۱- نماز

حضرت عبدالبهاء میفرمایند : "صلوة  
اس اساس امر الهی است و سبب روح  
و حیات قلوب رحمانی اگر جمیع احزان  
احاطه نماید چون بمناجات در صلاة -

مشغول گردیم کل غموم زائل و روح و -

ریحان حاصل گردد حالتی دست .

دهد که وصف نتوانم و تعبیر ندانم . . .

ص ۶ گنجینه حدود و احکام \*

قبل از آنکه راجع بنماز صحبت کنیم باید

چند موضوع را بدانیم :

۱- سن و جوب نماز

۲- وضو

۳- قبله

۴- قضا و نماز

۵- سجده

۶- کسانی که از خواندن نماز معاف

هستند .

۷- انواع نماز و موقع نماز .

سن و جوب نماز - یعنی شخص بهائی

اعم از مذکر و مؤنث باید در چه سنی شروع

بنماز خواندن نماید .

حضرت بهاء الله میفرمایند . \* بلوغ در

سال پانزده است نسا \* و رجال در این

مقام یکسانست \* پس هر وقت شخص بهائی

پانزده ساله شد و وارد شانزده گردید

باید نماز بخواند و تمام احکام شرعی بر او

واجب میشود .

وضو - قبل از آنکه نماز بخوانیم باید

دست و صورت خود را بشوئیم در موقع

شستن دستها باید بگوئیم \* اَللّٰهُمَّ

يَدَيَّ لِتَاَهُ خُذْ كِتَابَكَ بِاسْتِقَامَةٍ لَا تَضَعُهَا

فِي جُفُودِ الْعَالَمِ ثُمَّ احْفَظْهَا عَنِ التَّصَرُّفِ فِي

مَا لَمْ يَدْخُلْ فِي وِلَايَتِهَا اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْسِدُ

الْقَدِيرُ \*

و در موقع شستن صورت باید بگوئیم \* اَيُّ

رَبِّ وَجْهَتِكَ وَجْهِي اِلَيْكَ نُورُهُ بِانوارِ وَجْهِكَ

ثُمَّ أَحْفَظْهُ عَنِ التَّوَجُّهِ إِلَى غَيْرِكَ

اگر برای وضو گرفتن آب پیدا نکردیم و یا  
بعللی مثل جراحت یا امراض مربوط به  
دست و صورت که آب برای آن مضر باشد  
نتوانستیم دست و صورت خود را بشوئیم  
باید پنج بار بگوئیم •

"بسم الله الاطهر الاطهر" و بعد شروع  
بخواندن نماز نمائیم • برای هر يك از  
نمازها وضوئی جداگانه لازم است •

قبله - قبله اهل بها روضه مبارکه  
یعنی مقام یا مرقد حضرت بهاء الله در  
درجنب عکا است بنابراین باید هنگام  
نماز و روضه مبارکه نمائیم •

قضای نماز - اگر شخص در اثر  
مسافرت یا بعلت ناامنی نتواند بموقع  
خود نماز بخواند باید قضای آنرا بجا آورد •

طبق حکم الهی باید برای هر نماز فوت  
شده یعنی هر نمازی که بموقع نخوانده ایم  
پس از وضو گرفتن روبروضه مبارکه بنشینیم  
و سپس سجده نمائیم و بگوئیم "سبحان الله  
ذی العظمة والاجلال والموهبة -  
والافضال" بعد چهارزانو بنشینیم و  
هیجده مرتبه بگوئیم "سبحان الله  
ذی الملك والملكوت" • هرگاه چند نماز  
فوت شود برای هر يك از آنها باید يك بار  
آیه ای را که در حال سجده تلاوت میکنیم  
بخوانیم و برای تمام آنها فقط یکبار  
هیجده دفعه آیه دوم را در حال نشسته  
تلاوت نمائیم • حال اگر کسی بعلت نسی  
نتوانست آیه های مذکور را تلاوت نماید  
کافیست که هیجده مرتبه بگوید "سبحان  
الله" •

سجده -- در دیانت مقدس بهائی  
برای سجده کافیهست پیشانی خود را  
جائی بگذاریم که تمیز باشد \*

کسانی که از خواندن نماز مسافر  
هستند \* -- بر افرادی که در زیر نام  
برده شده است خواندن نماز واجب  
نیست :

۱- شخصی که سنش از هفتاد سال  
گذشته باشد \*

۲- زنهاد ر موقع عادت ماهیانه باید  
بجای تلاوت نماز هر روز هنگام ظهر پس  
از وضو نمود و پنج مرتبه بگویند " سبحان  
الله ذی الطلعة والجمال "

۳- افرادی که مریض هستند \*

انواع نماز و موقع نماز \*

۱- باید دانست که نماز در دیانت

مقدس بهائی بصورت انفراد تلاوت  
میگردد \* یعنی نماز دسته جمعی نهی  
شده است بغیر از نماز میت که بایسد  
دسته جمعی تلاوت شود و شرح آن بعد  
ذکر میگردد \*

۲- در آثار حضرت بهاء الله سه نوع  
نماز موجود است :

اول - نماز کوچک یا صلوة صغیر - که  
موقعش از ظهر بظهر است - یکبار در روز  
دوم - نماز متوسط یا صلوة وسطی - که  
باید روزی سه بار صبح و ظهر و غروب -  
تلاوت گردد \*

مہلت نماز صبح را از طلوع آفتاب تا ظهر  
نماز ظهر را از ظهر تا غروب و نماز شب را از  
غروب تا دو ساعت از شب گذشته تعیین  
فرموده اند \*

سوم - نماز بزرگ یا صلوة کبیر - روزی

یکبار در هر موقعی که حالت توجه بانسان دست دهد باید تلاوت نماید .

برای اطلاع از نمازسه گانه میتوان به صفحه ۱۰ کتاب گنجینه حدود و احکام رجوع نمود . باید دانست که هر کس میتواند یکی از نمازهای مذکور را در روز بجای آورد و بدینوسیله وظیفه روحانی خویش را انجام دهد .

توضیح - جمال مبارک در کتاب مستطاب اقدس تعلیم میفرمایند در نقاطی که اختلاف شب و روز زیاد است اجرای حکم نماز از روی ساعت باید بعمل آید مثلاً اکنون که امرالله در نقاطی از قبیل قطب شمال و قطب جنوب که در آنجا چند ماه روز است رسوخ یافته احیای الهی از روی

ساعت نماز میخوانند .

## ۲- روزه یاصم

قبل از بیان ترتیب روزه گرفتن در امر مقدس بهائی باید مطالب ذیل را بدانهم :

۱- سن وجوب روزه - همان سنی است که برای وجوب نماز میباشد یعنی اتمام پانزده سالگی شروع شانزده سالگی .

۲- کسانی که از روزه گرفتن معاف هستند :

۱- کسی که سنش از هفتاد گذشته باشد .

۲- مسافر بشرط آنکه بیشتر از ۹ ساعت با وسیله نقلیه و بیشتر از ۵ ساعت پیاده سفر نماید .

۳- مریض

۴ - زن حامله

۵ - زن شیرده

۶ - زن هنگام عادت ماهانه

۷ - کسانی که بکارهای پرمشقت

مشغول هستند - ولی در اینصورت باید

در خوردن و آشامیدن قناعت نمایند و از

تظاهر به روزه خوردن خودداری کنند و

حرمت حکم الهی را نگاهدارند .

۸ - اگر عید مولود حضرت بهاء الله و یا

مولود و مبعث حضرت اعلیٰ به یکی از

روزهای صیام مصادف شود آنروز را نباید

روزه گرفت .

۳ - زمان و مدت روزه بهائیان - زمان و

مدت روزه در امر مقدس حضرت بهاء الله

نوزده روز عید نوروزمانده یعنی از اول

شهر العلاء تا آخر شهر العلاء است و این

نوزده روز را باید اهل بهاء روزه بگیرند .

بر هر فرد بهائی واجبست که روزه -

بگیرد . روزه یا صوم در امر حضرت بهاء الله

عبارتست از خودداری از خوردن و -

نوشیدن از هنگام طلوع آفتاب تا غروب -

آفتاب .

شخصی که روزه میگیرد میتواند در نهایت

روحانیت بملکوت ابهی توجه نماید و الواح

مبارکه ای که مخصوص همین ایام از قلم

حضرت بهاء الله نازل شده است تلاوت

نماید . این الواح در کتاب ادعیه و یا

رساله تسبیح و تهلیل که فاضل جلیل جناب

اشراق خاوری جمع آوری فرموده اند تکثیر

شده است .

## ۲- ذکر الله ابهی

شخص بهائی باید در هر روز پس از وضو ۹۵ مرتبه الله ابهی بگوید و اگر ذکر ۹۵ مرتبه الله ابهی پس از تلاوت نماز انجام شود احتیاج بوضوی جداگانه نیست.

## ۴- تلاوت آیات الهی

حضرت بهاء الله در کلمات مکتونه میفرمایند "طیب جمیع علت‌های تو ذکر من است فراموشش منما" در کتاب اقدس حضرت بهاء الله باهله میفرمایند که در هر صبح و شام الواح الهی را تلاوت نمایند ولی دستور میفرمایند که الواح آنقدر تلاوت شود که باعث کسالت نگردد.

تلاوت آیات الهی در معابر یعنی در کوچه و بازار و خیابان نهی شده است و نیز امر میفرمایند که در موقع تلاوت آیات روی صندوق بنشینیم و از رفتن بی‌الای منبر بطور کلی منع میفرمایند.

## ۵- حقوق الله

طبق تعالیم حضرت بهاء الله هرگاه عایدات شخص پس از کسر مخارج و پرداخت بدکاریه‌هایش معادل قیمت صد مثقال طلا یا بیشتر شود باید صدی ۱۹ آنرا بعنوان حقوق الله بپردازد تا مرکز امر الهی به نفع و صلاح میدانند بمصرف پیشرفت امر الله برسانند.

البته حقوق الله بخانه مسکونی و اثاث منزل و وسائل آلات و ادوات کار تعلق



نمیگیرد هرگاه یکبار حقوق الله عاید اتسی  
پرداخته شد و باره بهمان عایدی حقوق  
الله تعلق نمیگیرد بدین معنی که وقتی عاید  
شخص معادل یا بیشتر از نوزده مثقال  
طلا رسید یکبار حقوق الله تقدیم مینماید  
طبق دستور مبارک نباید کسی را با دای  
حقوق الله مجبور کرد زیرا تقدیم حقوق الله  
امر است کاملاً وجدانی و روحانی \*

#### ۶ - نظافت

اهمیت نظافت در امر مقدس بهائیت  
بحدیست که طبق بیانات مبارکه اگر کسی  
لباس کثیف نمازی دعا بخواند مقبول  
درگاه خداوند واقع نمیشود البته کسانی که  
دارای عذر موجه هستند از این امر معافند  
- بر هر فرد بهائی واجبست که احکام

نظافت مشروحی را اجرا نماید \*

۱- هفته ای یکبار بحمام برود و خود

را بشوید \*

۲- هفته ای یکبار ناخنهای خود را

بگیرد \*

۳- در تابستان هر روز در زمستان هر سه

روز یکبار باهای خود را بشوید \*

۴- برای شستشوی آب پاک استفاده

نماید و هرگز بخزینه حمامهای معمولی وارد

نشود زیرا خزینه های عمومی دارای بوی

بد و آب کثیف است از این جهت حضرت

بهاء الله ورود در این نوع خزینه های عمومی

را حرام فرموده اند \*

۵- حتی الامکان باید عطر و گلاب

استعمال نماید تا بوی خوش بدهد \*

۶- در مواقع بیماری بطیب حانق

یعنی بز شك با تجربه و مطمئن مراجعه نماید .

۷- موی سر خود را طوری اصلاح کند که موها از بنا گوش پائین تر نیاید ولی تراشیدن موی سر نهی شده است .

۷- ازدواج و طلاق

اول - ازدواج

حضرت بهاء الله اهل بهاء را با ازدواج تشویق میفرمایند حضرت عبدالبهاء در - باب ازدواج در یکی از الواح خطاب به یکی از امام<sup>ج</sup> الرحمن چنین میفرمایند . " ای کنیز عزیز الهی نامه ات رسید و مضمون معلوم گردید در میان خلق ازدواج - عبارت از ارتباط جسمانی است و ایمن اتحاد و اتفاق موقت است زیرا فرقت

جسمانی عاقبت مقرر و محتم است و لکن ازدواج اهل بهاء باین ارتباط جسمانی و روحانی هردو باشد زیرا هر دو سر مست یک جامند و منجذب یک طلعت بی مثال .  
زنده بیک روحند و روشن از یک انوار این روابط روحانیه است و اتحاد ابدیست و همچنین در عالم جسمانی نیز ارتباط محکم متین دارند ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیثیت روح و جسم هردو باشد آن وحدت حقیقی است لهذا ابدیست اما اگر اتحاد مجرد از حیثیت جسم باشد البته آن موقت است و عاقبت مفارقت پس باید اهل بهاء - چون روابط ازدواج در میان آید اتحاد حقیقی و ارتباط معنوی و اجتماع روحانی و جسمانی باشد تا در جمیع مراتب وجود و در جمیع عوالم الهی این وحدت حاصل گردد

زیرا این وحدت حقیقی جلوه ای از نور  
محبت الله است . . .

### شرایط ازدواج

۱- برای ازدواج زوج و زوجه باید  
حداقل دارای پانزده سال تمام باشند .  
۲- برای ازدواج اول رضایت دختر و  
پسر و بعد رضایت والدین دختر و پسر  
در صورتی که زنده باشند . شرط اجرای  
عقد ازدواجست و بدون رضایت آنها اگر  
ازدواج واقع شود باطلست .

۳- پس باید برای ازدواج طبق  
تعلیم جمال مبارک مبلغی بعنوان مهر  
بدختر بپردازد میزان این مبلغ بشرح زیر  
است :

الف - اگر مرد اهل شهر باشد از يك  
واحد تا ۵ واحد طلا میتواند بپردازد .

ب - اگر مرد اهل ده باشد از يك  
واحد تا ۵ واحد نقره میتواند بپردازد .

ج - اگر مرد اهل ده باشد و لسی  
بشهر آمده ساکن شهر شده باشد میتواند  
طلا بپردازد .

د - اگر مرد اهل شهر باشد و بسیار  
ثروتمند باشد میتواند پنج واحد طلا بپردازد  
ه - اگر مرد اهل شهر باشد ولی به  
ده رفته و ساکن شده باشد باید نقره بپردازد  
و - بهر حال محلی که مرد ساکنست

میزان پرداخت مهر است با توجه باینکه  
تصبه یعنی جائیکه ازداد بزرگتر و از شهر  
کوچکتر است حکم ده را دارد .

باید دانست که مراد از يك واحد نوزده -  
مثقال است پس يك واحد نقره یا طلا  
یعنی نوزده مثقال نقره یا طلا و البته

همه میدانیم که يك مثقال بطور عادی ۲۴  
نخود است ولی يك مثقال در عرف بهائی  
نوزده نخود است پس يك واحد مثلا  
نقره عبارتست از يك نوزده مثقال نوزده  
نخودی.

حضرت بها "الله پس از تعیین میزان مهر  
پیروان اسم اعظم را عم از دختر و پسر  
نصیحت میفرمایند که بکمترین میزان مهر  
راضی شوند یعنی اگر اهل ده یا شهر و یا  
پسرویاد دختر شخص ثروتمندی هستند -  
بيك واحد نقره اکتفا کنند زیرا این کار نزد  
خداوند محبوب تر است البته هر دختر  
بهائی برای جلب برکات و سعادت بمیل  
و اراده جمال مبارک توجه کرده و طبق آن  
عمل میکند مبلغی که بعنوان مهراز -  
طرف زوج بزوجه پرداخت میشود بایسد

حضورا نقدا یا بوسیله سند در حضور شهود  
تسلیم زوجه گردد.

۴- دوره نامزدی نباید بهیچوجه  
از ۹۵ روز تجاوز نماید مگر اینکه برای پسریا  
دختر مسافرت اجباری پیش آید و یا  
یکی از آن دو مریض شوند البته تشخیص  
موجه بودن عذر تاخیر در ازدواج با محفل  
مقدس روحانی محل است.

۵- در موقع عقد ازدواج پس از حصول  
تمام شرایط زوج باید بگوید "انا کل لله  
راضون - و زوجه باید بگوید انا کل لله  
راضیات."

۶- پس از اینکه صیغه عقد بین  
دختر و پسر جاری شد و عقد نامه ازدواج  
بامضای پسر و دختر و پدر و مادر طرفین  
و ۹ نفر شاهد رسید باید همان شب زفاف

واقع شود \*

۷- ازدواج پسر یا دختر بهائی با غیربهائی جایز است زیرا هدف دیانت مقدس بهائی معاشرت و اختلاط با تمام افراد روی زمین است ولی البته باید حتما تمام احکام دیانت مقدس بهائی اجرا گردد و الا جایز نیست \* مثلا اگر دختر بهائی نباشد و پسر بهائی باشد البته باید طبق حکم کتاب اقدس رضایت دختر و پدر و مادر او حاصل شود یا بالعکس اگر پسر غیر بهائی باشد و دختر بهائی رضایت پدر و مادر پسر غیر بهائی قطعاً ضروریست و الا عقد جائز نیست \*

فعلا طبق دستور اداری امری در ایران در صورتیکه یکی از زوجین غیر بهائی باشند باید هم عقد بهائی جاری شود هم

عقد غیر بهائی مطابق رسم عروس یا داماد غیر بهائی تا در زندگی آینده آنها اشکالات احتمالی قانونی پیش نیاید \*

۸- طبق نصوص الهی در این -

آئین نازنین هیچ مردی حق ندارد بیش از یک زن در زمان واحد داشته باشد و لیسو آنکه زن مبتلا به مرضی گردد که نتواند وظایف زناشویی را انجام دهد \*

۹- در امر مقدس بهائی ازدواج موقت

یعنی صیغه چنانچه در شریعت مقدس اسلام جایز است حرام است و نهی حتمی و صریح دارد \*

۱۰- حضرت عبدالبهاء سفارش

میفرمایند که باید بین بهائیان ازدواج - هر چه در و تر واقع شود زیرا افراد در وسیله ازدواج با هم ارتباط نزدیک پیدا میکنند

و نیز از لحاظ طبیعی ازدواج باد و ر  
موجب سلامت و تندرستی بیشتر برای  
اطفالی که بوجود می آیند میگردد حتی  
ازدواج بانزادها و اقوام مختلف محبوبست  
ولی جزئیات امور مربوط بمیزان نزدیکی و  
دوری معلق بتصمیم بیت العدل اعظم  
است.

### دوم - طلاق

۱- حضرت بهاء الله در کتاب اقدس  
وسایر الواح مبارک امر طلاق را در صورت  
کراهت جائز ولی آنرا بسیار ناپسند  
شمرده اند و احبای خود را امر باصلاح و  
سازش بین خود میفرمایند.  
حضرت ولی امرالله در لوح مبارک ۱۴ -  
شهرالرحمه سنه ۹۵ خطاب بمحفل ملسی

ایران میفرمایند :

" امر طلاق بسیار مذموم و قبیح و مخالف  
رضای الهیست. آنچه از قلم حضرت  
عبدالبهاء در این خصوص نازل بین عموم  
یاران انتشار دهند و کل را بیش از پیش  
متذکر دارند. اجرای حکم طلاق مشروط  
بتصویب و اجازه امنای محفل روحانی است

باید در این قضایا اعضای محفل مستقلاً  
بکمال دقت تمعن و تفحص نمایند و اگر  
چنانچه عذر شرعی موجود و اتحاد و اتلاف  
بهیچوجه من الوجوه ممکن نه و تنفر شدید،  
واصلاح و رفع آن محال طلاق و افتراق  
را تصویب نمایند."

چنانکه ملاحظه میشود امر طلاق در آئین  
بهائی بسیار قبیح شمرده شده است ولی  
اگر خدای نکرده بهیچوجه ادامه زندگی

يك زن با شوهر ممكن نشد آنوقت محفل  
روحانی محل تصویب میفرمایند که امر  
طلاق جاری شود .

۲- پس از اینکه محفل مقدس روحانی  
تصویب نمود که بین زن و شوهری امر طلاق  
جاری شود باید زن و شوهر یکسال تریص  
نمایند یعنی تا یکسال صبر کنند و قبل از  
پایان یکسال هیچیک از طرفین حسیق  
ازدواج بادیگری راندارد و ابتدای این  
مدت را محفل مقدس روحانی ثبت مینماید  
و در اصطلاح اداری میگویند فلان زن و  
شوهر تاریخ گذاشته اند و در خلال اینمدت  
یکسال زن و شوهر حق نزدیکی بایکدیگر  
ندارند و باید منزل آنها از هم جدا باشد  
اگر پس از گذشت یکسال تمام بسوی  
خوش محبت بین این زن و شوهر نوزید

آنوقت آزادند که بادیگری ازدواج کنند  
اما اگر در خلال اینمدت بوی خوش محبت  
بوزید و معلوم شد که این زن و شوهر  
میخواهند باز با هم زندگی نمایند باید بمحفل  
روحانی خود رجوع کرده بآنها اطلاع دهند  
که تاریخ تریص را باطل نمایند . در  
اینصورت میتوانند مانند زن و شوهر با هم  
زندگی کنند و نزدیکی نمایند ولی احتیاج  
بعقد مجدد ندارند . اگر این توافق یعنی  
آشتی بعد از گذشت یکسال تمام روی داد  
البته باید مجدداً اول عقد ازدواج جاری  
کنند و مهر برداخت شود .

اگر پس از رجوع باز خدای نکرده بین  
آنها اختلاف ایجاد شد و کار بجدائی کشید  
پس از تصویب محفل مقدس روحانی باید  
مجدداً تاریخ بگذارند بدیهیست یکسال

ترتیب از مبدأ تاریخ جدید حساب میشود  
نه تاریخ اول مثلاً پس از گذشت ششماه زن  
و شوهری موافقت کردند که بزنگی زناشویی  
خود ادامه دهند در اینصورت —  
بمخفل روحانی مراجعه میکنند و محفصل  
روحانی تاریخ ترتیب آنها را لغو مینماید  
پس از یکماه زندگی مجدداً اختلاف پیدا  
کنند باز بمخفل رجوع مینمایند و محفصل  
روحانی مجدداً تصویب میکنند که آنها از  
هم جدا شوند و برای ترتیب تاریخ میگذارند  
از این تاریخ اخیر زن و شوهر مزبور باید تا  
یکسال صبر کنند تا تاریخ ترتیب قبلی

۳ — مرد باید در مدت ترتیب یکساله  
مخارج زن خود را بپردازد ام از اینکه زنش  
بهائی باشد یا نباشد • ولو اینکه ترتیب  
بتقاضای زن اجرا شده باشد • مگر اینکه

توجه بدون عذر مقبول از زوج کناره گیرد که  
در اینصورت حق مطالبه نفقه را ندارد •  
۴ — اگر زن و شوهری در سفر باشند و در  
آنجا طلاق واقع شود شوهر باید خودش یا  
بوسیله شخص امینی زن خود را بوطن و  
بازگرداند و مصارف لازمه را نیز بپردازد •  
۵ — اگر اثبات شود که زوجه عمل منافی  
عفت مرتکب شده است احتیاج بیکسال  
ترتیب نیست •

### ۷ — لزوم تعلیم و تربیت

حضرت بهاء الله در لوح اشراقیات  
میفرمایند: " اشراق هفتم قلم اعلی کل را  
وصیت میفرماید به تعلیم و تربیت اطفال •  
این آیات در این مقام در کتاب اقدس در  
اول ورود بسجین از سما مشیت الهی نازل •"



در الواح جمال مبارک و حضرت عبد البهاء

در باره لزوم تعلیم و تربیت اطفال بسیار

تأکید شده است بحدی که حضرت

بهاء الله بیانی بدین مضمون میفرماید \*

"اگر پدری در مورد تربیت اطفال خود

کوتاهی کرد حق پدری از او ساقط است \*

راجع بکیفیت تعلیم و تربیت بهائی

چون در جای خود مفصلاً بیان میشود در

اینجا بهمین مختصر قناعت میگردد فقط

باید دانست که تعلیم و تربیت اطفال

از وظایف حتمیه پدر و مادر است که باید

والدین بهائی توجه مخصوص باین امر

مهم حیاتی بنمایند \*

### ۱- وصیت نامه

اول - حضرت بهاء الله تأکید میفرماید

که هر بهائی باید برای خود وصیت نامه

بنویسد و این وصیت نامه باید شامل اقرا ر

بوجودانیت الهی و نبوت انبیا و مشریت

و مظهریت حضرت اعلی و مظهریت جمال مبارک

و مقام موکر میثاق و ولایت ولی امرالله

باشد در این وصیت نامه شخص باید

تکلیف امور مالی خود را پس از ذکر مراتب

فوق تعیین نماید \*

هرگاه شخص بدون وصیت نامه فوت

نماید باید بطریقی که حضرت بهاء الله در

کتاب اقدس تعیین فرمود مانند اموالش تقسیم شود

دوم - طرز تقسیم اموال شخص بهائی

که بدون وصیت نامه صعوبت میکند \*

بیش از هر چیز شخص متصاعدالی الله

را با احترام و اعزاز در خور مقام او تشییع

و کفن و دفن نمود سپس قرضهای او را و

حقوق الله را پرداخت پس از آن اموالش را  
 بطریق ذیل تقسیم کرد .  
 اموال شخص را به ۴۲ سهم قسمت مینمایند  
 و بترتیب زیرین ورثه یعنی خویشان و  
 بستگان تقسیم کنند .

۱ - اولاد	۱۸	سهم
۲ - زن یا شوهر	۶/۵	سهم
۳ - پدر	۵/۵	سهم
۴ - مادر	۴/۵	سهم
۵ - برادر	۳/۵	سهم
۶ - خواهر	۲/۵	سهم
۷ - معلم	۱/۵	سهم

اگر شخص متصاعدالی الله اولاد نداشته  
 باشد تمام سهم اولاد بصندوق بیت العدل  
 محل یا محفل روحانی محل برسد و سایر  
 طبقات هر کدام نبودند و سهم از سهم

آنها با اولاد میرسد و یک سوم به صندوق  
 بیت العدل محل . اگر هیچیک از طبقات  
 هفتگانه نبودند تمام دارائی شخص  
 بصندوق بیت العدل محل میرسد . باید  
 دانست که لباسهای شخصی و خانگی  
 مسکونی کسی که صعوبت میکند پسر ارشدش  
 میرسد و اگر زن باشد لباسها بالتساوی بین  
 دخترهایش تقسیم میشود .

### ۱۰ - احکام میت

وقتی فردی از افراد بهائی فوت  
 مینماید باید طبق دستورات مبارکه و  
 تشریفات بهائی گفن و دفن شود بشن  
 نمر:

۱ - باید متصاعدالی الله را شست و  
 حتی الامکان با عطرزد تا معطر گردد .

۲- پس از شستن باید متصاعد را در  
پنج پارچه که حتی الامکان باید از  
پارچه های خوب مثل پارچه ابریشمی  
باشد پیچید \*

۳- باید در انگشت مرد انگشتری که  
این آیه بر آن منقوش است قرار داد ( قد  
بدئت من الله و رجعت الیه منقطعاً عما  
سواء و متمسکاً باسمه الرحمن والرحیم )  
یعنی از خد او ند بوجود آمدن و بسوی  
خد او ند بر میگردم در حالی که از غیر او بریدم  
و باسم او متمسکم \*

۴- سپس او را باید در صندوقی گذاشت  
که از چوب سخت یا بلور یا سنگ باشد و  
او را برابر قبله اهل بهاء یعنی بطرف  
روضه مبارکه حضرت بهاء الله قرار داد و  
سپس نماز مخصوص میت را تلاوت کرد \*

برای اطلاع از متن نماز میت به صفحه ۴۵

گنجینه حدود و احکام مراجعه شود \*

۵- محل دفن میت نباید بیشتر از  
یک ساعت راه از محل فوت او باشد \*

۶- باید صندوق متصاعد را نوعی در  
خاک قرار داد که پایش بطرف روضه مبارکه  
باشد \*

۷- تمام احکام مربوط بمیت مربوط  
بمتصاعدین است که سن آنها پانزده  
سالگی رسیده باشد و الا اجرای این احکام  
برای بچه ها الزوم ندارد \*

### در منہیات

۱- قتل نفس

قتل نفس در دیانت مقدس بهائوسی

حرام است و مطابق حکم الهی در کتاب  
اقدس هر کس از روی قصد یعنی از روی  
اراده شخص را بکشد حکومت باید یا او  
را بکشد یا به حبس ابد محکوم نماید . اما  
اگر شخص نفسی را بدون اراده و قصد  
یعنی بر اثر اشتباه کشت باید صد مثقال  
طلا بکسان مقتول بدهد .

## ۲- زنا و لواط

زنا در امریهائی حرام است و مرتکب  
آن محروم از رحمت الهی است این  
مجازات زناکار در دنیای بعد از مرگ است  
اما مجازات زن و مرد بدکار در مرتبه اول  
در صورت ثبوت نه مثقال طلا است که باید  
به بیت عدل بدهد و در مرتبه دوم -  
هیچده مثقال و در مرتبه سوم سی و شش

مثقال و بهمین ترتیب هر دفعه دو برابر  
دفعه قبل باید بپردازد . علاوه بر این  
زانی و زانیه یعنی مرد بدکار و زن بدکار هر  
دو مردم مصرفی میشوند و اعلان عمومی میگردد  
که فلانی با فلان زنا کرده است .

در الواح حضرت بهاء الله و حضرت  
عبدالبهاء بقدری در مورد عفت و عصمت  
تاکید شده که حدی بر آن متصور نیست .

حضرت عبدالبهاء در این مورد در یکی از نامه  
الواح میفرمایند . " ذره عصمت اعظم از صد  
هزار سال عبادت و دریای معرفت است . "  
در مورد لواط آنقدر این عمل قبیح  
است و شنیع که حتی حضرت بهاء الله  
در کتاب اقدس از ذکر آن اظهار خجلت  
میفرمایند .

حضرت بهاء الله در کتاب اقدس

میفرمایند که اگر شخصی خانه دیگری را از  
روی اراده و قصد آتش بزند حکومت باید  
یا او را آتش بزند و یا به حبس ابد محکومش  
نماید.

## ۲ - سرقت

در کتاب اقدس دزدی خرام شمرده شده  
و مجازات سارق یعنی دزد در وهله اول  
تبعید و در مرتبه دوم حبس و در مرتبه سوم  
علامتی است که روی پیشانی‌اش باید بگذارند  
تا همه بدانند او دزد است دیگر معلوم  
است که همه مردم از دزد بیزار و متنفرند و  
شخص بدبختی که باین وضع مجازات شود  
از همه جاراند و خواهد شد. تعیین مدت  
حبس و چگونگی تبعید و شکل علامت روی  
پیشانی را حضرت بهاء الله به بیت عدل

اعظم و اگر میفرمایند.

حضرت بهاء الله در لوحی میفرمایند.  
"..... امانت از برای مدینه انسانیست  
بمثابه حصن است و از برای هیکل انسان  
بمنزله عین اگر نفسی از او محروم ماند در  
ساحت عرش نابینا و کور مسطور است....."

## ۴ - خرید و فروش غلام و کیز

حضرت بهاء الله خرید و فروش انسان  
را حرام فرموده اند در کتاب مستطاب اقدس  
بیا تی باین مضمون است که نباید بنده -  
خداوند را بنده دیگر بخرد یا بفروشد.  
حضرت بهاء الله تعلیم میدهند که همه  
افراد بشر بنندگان یک خدا میهربان هستند  
و هیچیک از افراد برد دیگری برتری ندارد و  
باید همه در نهایت الفت مانند برادر و

خواهرزندگی نمایند و برتری افراد بردیگری  
مربوط به فضل و کمال آنهاست و بدیهی  
است که باید احترام پدر و مادر و مریدان و  
علماء امره ریک بفراخور حالشان رعایت  
گردد.

### ۵ - قمار

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب  
اقدس قمار را حرام فرموده اند ولی لا طاری  
وامثال آن حکمش با بیت العدل اعظم -  
است.

### ۶ - حمل اسلحه

جمال مبارک در کتاب مستطاب اقدس  
حمل اسلحه را برای اهل بهاء حرام -  
فرموده اند ولی اجازه میفرمایند در مواقع

ضروری میتوانند اسلحه حمل نمایند.

### ۷ - استعمال مشروبات و دخان

اهل بهاء از نوشیدن مشروبات الکلی  
ممنوع شده اند و حضرت بهاء الله در کتاب  
مستطاب اقدس صریحاً پیروان اسم اعظم را  
از استعمال مشروبات الکلی تحت هر نام  
و عنوان منع فرموده و نوشیدن آنرا حرام  
فرموده اند. حتی هیکل مبارک حضرت  
ولی امر الله آبجو را جزء مشروبات الکلی  
قلمداد فرموده اند و پیروان اسم اعظم را از  
نوشیدن آن بر حذر میدارند.

خرید و فروش مشروبات الکلی نیز حرام  
است حتی بهائی نمیتواند ملک خود را  
برای خرید و فروش یا تهیه نوشابه های الکلی  
با جاره بدهد.

اگر بهائیان محل خوش را اجاره  
دهند و بهیچوجه من الوجوه مداخله  
نمایند و تائید شخص مستاجر را نکنند  
مسئولیت از آنان مرتفع و شخص مالک  
باید بجمع وسائل متشبه گردد که  
ملك خوش را از لوث اینگونه امور دنیسه  
مصون و محفوظ نماید تا چه رسد بآنکه  
خود شخصا مباشرت باین اعمال  
مورد نماید .  
" اگر شخص بهائی باین عمل زشت  
مبادرت ورزد یعنی مشروبات الکلی -  
بنوشد محفل روحانی باید اول او را نصیحت  
نماید و مهلتی برای ترك باو بدهد اگر  
نصایح محفل را اجرائکرد محفل ملی باید  
طرد اداری این شخص را از جامعه اهل  
بهاه اعلان نماید .

در مورد دخان حضرت عبدالبها  
بهائیان را از استعمال آن تحذیر میفرمایند  
و از عواقب بدی که بر اثر استعمال دخانیات  
مترتب است انداز میفرمایند اما آنرا مثل شرب  
مسکرات حرام نفرموده اند و باصطلاح  
استعمال دخانیات در این امر اعظم نهی  
تنزیهی دارد نه حرمت قطعی .

### هوالله

ای یاران پاک یزدان تنزیه و تقدیس  
در جمیع شئون از خصائص پاکانست و از  
لوانم آزادگان . اول کمال تنزیه و تقدیس  
است و پاکی از نقائص . چون انسان در  
جمیع مراتب پاک و طاهر گردد مظهر  
تجلی نور باهر شود . در سیر سلوک اول  
پاکی و بعد تازگی و آزادگی . جوی را

باید پاک نمود بعد آب عذب فرات جاری  
نمود . و دیده پاک ادراك مشاهده و لقا  
نماید و مشام پاک استشمام راعحه گلشن  
عنایت فرماید و قلب پاک آئینه جمال  
حقیقت گردد . اینست که در کتب سماویه  
وصایا و نصایح الهیه تشبیه بآب گشته  
چنانچه در قرآن میفرماید ( و انزلنا  
من السماء ماءً ظهورا ) و در انجیل میفرماید  
تألفی تعمید بآب و روح نیابد در  
ملکوت الهی داخل نشود . پس واضح شد  
که تعالیم الهیه فیض آسمانیست و  
باران رحمت الهی و سبب طهارت قلوب  
انسانی . مقصود این است که در جمیع  
مراتب تنزیه و تقدیس و پاکی و لطافت  
سبب علویت عالم انسانی و ترقی حقائق  
امکانیست حتی در عالم جسمانی نیز

لطافت سبب حصول روحانیت است چنانکه  
صریح کتب الهی است و نظافت ظاهره  
هرچند امریست جسمانی و لکن تاثر  
شدید در روحانیات دارد مانند الحان  
بدیع و آهنگ خوش . هرچند اصوات  
عبارت از موجات هواییه است که در عصب  
صماخ گوش تاثر نماید و موجات هواعرضی  
از اعراض است که قائم بهواست . با وجود  
این ملاحظه مینمائید که چگونه تاثر  
در ارواح دارد . آهنگ بدیع روح را طیران  
دهد و قلب را باهتزاز آرد . مراد این است  
که پاکی و طهارت جسمانی نیز تاثر در  
ارواح انسانی کند . ملاحظه نمائید که  
پاکی چه قدر مقبول در گاه گریه و منصوص  
کتب مقدسه انبیاست . زیرا کتب مقدسه  
منع از تناول هر شیئی کثیف و استعمال هر



چیز ناپاک مینماید • ولی بعضی منهی  
 قطعی بود و ممنوع بکلی و مرتکب آن  
 مبنغوض حضرت گبیریا • و مردود نزد اولیا  
 مانند اشیا محرمه تحریم قطعی که ارتکاب  
 آن از کبایر معاصی شمرده میشود و از شدت  
 کثافت ذکرش مستهجن است اما منہیات  
 دیگر که ضرر فوری ندارد ولی تا ثبوت  
 مضره بتدریج حاصل گردند منہیات نیز  
 عند الله مکروه و مذموم و مذحور • ولی  
 حرمت قطعی منصوص نه بلکه تنزیه و  
 تقدیس و طهارت و پاکی و حفظ صحت و  
 آزادی مقتضی آن • از آن جمله شرب  
 دخان است که کیف است و بد بنو  
 کریمست و مذموم و بتدریج مضرتر مسلم  
 عموم و جمیع اطباء حاذقه حکم نموده اند  
 و تجربه نیز گردیده که جزئی از اجزاء مرکبه

دخان سم قاتل است و شارب معرض علق  
 و امراض متنوخ • این است که در شربش  
 کراهت تنزیهی بتصریح وارد حضرت  
 اعلی روحی له الفداء در بیدایت امر صراحت  
 منع فرمودند و جمیع احباء ترك شرب  
 دخان نمودند • ولی چون زمان تقیه بود  
 هر نفسی که از شرب دخان امتناع مینمود  
 مورد اذیت و جفا میشد بلکه در معرض قتل  
 میآمد • لهذا احباء بجهة تقیه بشرب دخان  
 پرداختند بعد کتاب اقدس نازل شد  
 چون تحریم دخان صریح کتاب اقدس نبود  
 احباء ترك نمودند • اما جمال مبارک  
 همیشه از شرب دخان اظهار کراهت  
 میفرمودند • (حتی در بیدایت بملا حظی  
 قدری استعمال میفرمودند بعد بکلی ترك  
 فرمودند) و نفوس مقدسی که در جمیع  
 امور متابعت جمال مبارک مینمودند آنان

نیز بکلی ترك شرب دخان کردند . —  
 مقصود این است که شرب دخان عند الحق  
 مذموم و مکروه و در نهایت کفایت و در غایت  
 مضرت و لو تد ریجا و از این گذشته باعث  
 خسارت اموال و تضييع اوقات و ابتلاى —  
 بعادة مضره است لهذا در نزد ثابتان هر  
 میثاق عقلاً و نقلاً مذموم و ترك سبب  
 راحت و آسایش عموم . و اسباب طهارت  
 و نظافت دست و دهان و مواز تعفن  
 کثیف بد بو است . البته احبای الهی  
 بوصول این مقاله بهر وسیله باشد ولو  
 بتدریج ترك این عادت مضره خواهند  
 فرمود چنین امید وارم . ( امام مسئله ) افیون  
 کثیف ملعون نمود بالله من عذاب الله  
 بصریح کتاب اقدس محرم و مذموم و شریش<sup>عقل</sup>  
 ضربی از جنون و بتجربه مرتکب آن بکلی

از عالم انسانی محرم . پناه بخدا میبیم از  
 ارتکاب چنین امر فظیعی که هادم بنیان  
 انسانیت و سبب خسران ابدی . جان  
 انسان را بگیرد و جدان بمیرد شعور زائل —  
 شود ادراک بکاهد زنده را مرده نماید  
 حرارت طبیعت را افسرد ، کند دیگر نتوان  
 مضرتی اعظم از این تصور نمود . خوشا بحال  
 نفوسیکه نام تریاک بر زبان نرانند تا چهره  
 رسد باستعمال آن .

ای یاران الهی جبر و عنف و زجر و قهر در این  
 دوره الهی مذموم ولی در منع از شرب افیون  
 باید بهر تند پیری تشبث نمود بلکه از این  
 آفت عظمی نوع انسانی خلاصی و نجات  
 یابد والا . و او یلا علی کل من یفرط فی  
 جنب الله . ای پروردگار ، اهل بهار را  
 در هر موردی تنزیه و تقدیس بخش و از هر

آلودگی پاکی و آزادگی عطاکن از ارتکا  
هر مگر وه نجات ده و از قیود هر عادت —  
رهائی بخش تا پاک و آزاد باشند و طیب و  
ظاهر گردند سزاوار بندگی آستان مقدس  
شوند و لایق انتساب بحضرت احدیت از  
مسکرات و دخان رهائی بخش و از افسوس  
مورث جنون نجات و رهائی ده و بنفحات  
قدس ما نوس کن تان شاه از باده محبت الله  
یابند و فرح و سرور از اجزایات بملکوت  
ابهی جویند \* چنانچه فرمودی ( آنچه  
در خمخانه داری نشکند صفرای عشق \* —  
ز ان شراب معنوی ساقی همی بحری بیار)  
ای یاران الهی ترک دخان و خمر و افیون  
بتجربه رسید که چگونه سبب صحت و قوت  
و وسعت ادراک و شدت ذکا و قوت  
اجسام است طائفه‌ئی الیه موجود که

آنان از دخان و مسکرات و افیون محترز  
و مجتنبند آن طائفه بر طوائف سائره  
در قوت و شجاعت و صحت و ملاحه <sup>حسب</sup>  
منتهای تفوق دارند یکی از آنان ده نفر  
از طوائف سائره را مقاومت نماید \* و این  
تجربه در عموم است یعنی عموم افراد آن  
طائفه بر عموم افراد سائر طوائف از هر  
جهت متفوقند \* پس همتی نمائید تا تنزیه  
و تقدیس کبری که نهایت آرزوی عبدالبها<sup>ست</sup>  
در میان اهل بهاجلوه نماید \* و حزب الله  
در جمیع شئون و کمالات فائق بر سائر نسو  
انسان گردند و در ظاهر و باطن ممتاز از  
دیگران و در طهارت و نظافت و لطافت  
و حفظ صحت سرخیل عاقلان \* و در —  
آزادگی و فرزانی و حکم بر نفس و هوی  
سرور پاکان و آزادگان و عاقلان و علیکم البها\*

۸ - دست بوسی

جمال مبارك اهل بهاء را از بوسیدن دست دیگران منع فرموده اند و این حکم در کتاب اقدس نازل شده است .

۹ - اقرار بگناه نزد دیگران

حضرت بهاء الله اهل بهاء را از اقرار بگناه نزد دیگران مانند پیروان حضرت مسیح منع میفرمایند و یکی از الواح مبارك در این مورد میفرمایند .

"جز حضرت رحمن برآمزش گمراهان و گناهکاران قادر نبوده و نیست کسی که همتی نیافته چگونه میتواند همتی بخشد و

صاحب خطا چگونه از خطاگرد .

شخص بهائی باید در نزد خدای خویش از عمل زشتی که کرده توبه نماید و طلب مغفرت کند و از حق بخواهد که دیگر مرتکب آن عمل زشت نشود .

۱۰ - نام گذاری

حضرت بهاء الله پیروان خود را از انتخاب نام خیرالنساء برای اطفال خود منع میفرمایند زیرا این نام اسم مادر حضرت نقطه اولی است .

حضرت عبدالبهاء در لوحی میفرمایند : "اما تسمیه با اسم مبارك حضرت بهاء الله و با اسم حضرت اعلی یعنی باب یا نقطه اولی جایز نیست ."

(مکاتیب جلد سوم ص ۳۲۳)

## ۱۱- عطسه و چشم زخم

حضرت بهاء الله اهل بها را از -  
اعتقاد بعطسه و یا چشم زخم و تفال بفال  
بد منع میفرمایند تا پیروان اسم اعظم از این  
موهومات خلاص گردند و بحقایق ناظر  
شوند • و نیز از استخاره کردن و عدم  
اعتبار آن بیاناتی در الواح نازل شده -  
است •

## ۱۲- کتمان عقیده

حضرت ولی امر الله در یکی از الواح  
میفرمایند • "سؤال ثالث در خصوص  
کتمان عقیده در نقاطیکه بهائی غیر موجود  
معروض داشته بودید جواب فرمودند کتمان  
عقیده حتی در این مورد مذموم و مخالف مباد<sup>ی</sup>

این امر است •

## ۱۳- حرمت کارد رایام متبرکه

در سال نه روز بشرح ذیل برای بهائی  
کار کردن حرام است •  
۱- تولد حضرت اعلی روز اول محرم  
۲- اظهار امر حضرت اعلی پنجم  
جمادی الاولی •  
۳- شهادت حضرت رب اعلی ۲۸ -  
شعبان •

۴- تولد حضرت بهاء الله روز دوم محرم  
۵- اظهار امر حضرت بهاء الله اول و  
نهم و دوازدهم اردیبهشت ماه •  
۶- صعود حضرت بهاء الله هفتم -  
نوروز •  
۷- عید صیام یا نوروز اول فروردین  
ماه

تنهاد در موردی که شخص بهائی میتواند  
این ایام بکار خود مشغول باشد شبانه  
است.

#### ۱۴ - استعمال تریاک

حضرت بهاء الله در کتاب اقدس  
میفرمایند هر يك از بهائیان تریاک یا  
حشیش یا امثال آنها بکشد بهائی  
نیست و نمیتواند خود را بهائی بنامد.  
حضرت ولی امر الله در لوح جناب -  
بدیع الله آبادی ای مورخ رجب ۱۳۴۲  
سم ژانویه ۱۹۲۹ میفرمایند.  
قوله الاحلی :

" شرب و استعمال افیون از محرمات  
است و شارب، بهائی نه و در زمره مؤمنین  
داخل نیست ولی اگر ترك آن دفعتماً

واحد ضرر کلی داشته باشد در این صورت  
مؤمن حقیقی باید در کمال صمیمیت  
متدرجاً اقدام بترك نماید."

#### ۱۵ - عدم آزار حیوانات

حضرت بهاء الله اهل بهاء را از آزار و  
بار سنگین نهادن بر حیوان نهی میفرمایند  
و پیروان اسم اعظم را بانصاف و عدل دعوت  
مینمایند.

حضرت عبدالبهاء در لوح میس الاکویسر  
میفرمایند . قوله العزيز :

" حیوان نظیر انسان در نزد اهل  
حقیقت بسیار عزیز است لهذا انسان باید  
بانسان و حیوان همدومهریان باشد  
و بقدر امکان در راحت و محافظت حیوان  
بکوشد . . ."